

حسابداری و صنعت

این مقاله برگرفته از سخنرانی آقای مهندس محسن خلیلی در اولین همایش ملی حسابداری و صنعت است که در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۸۳ برگزار شد.

بازسازی و تجدید حیات صنعت ایران فرصت گرانبهائی است برای ذینفعان صنعت کشور تا با درک روندهای جهانی، شناخت و بهره گیری از واقعیتها و مزیت‌های نسبی در اقتصاد ایران وظیفه و مسئولیت خود را به انجام رسانند. بدین منظور راهکارهایی بویژه در ارتباط با نقش تشکلهای صنعتی، کارآفرینان و صنعتگران عنوان می گردد.

به موجب گزارش سال ۱۹۹۶ توسعه انسانی بر نامه توسعه سازمان ملل، در سال ۱۹۹۳ از مجموع ۲۳ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی در سطح جهان، تنها ۵ تریلیون دلار سهم کشورهای در حال توسعه بود، در حالی که ۸۰ درصد جمعیت جهان در این کشورها زندگی می کنند. صنعتگران و کارآفرینان کشور با عنایت به محوریت اقتصادی بخش صنعت، وظیفه دار مقابله با این گونه دو قطبی شدن ثروت در میهن اسلامی مان هستند.

چشم انداز مطلوب اقتصاد و صنعت ایران برای دو دهه آینده، تا سال ۱۴۰۰، در چارچوب گزینه توسعه صنعت رقابت پذیر جهانی ترسیم شده است. در این گزینه پیشبینی روند متغیرهای کلان با استفاده از الگوی اقتصاد سنجی طراحی شده که با سه برابر شدن درآمد سرانه کشور طی ۲۰ سال آینده در صورت تحقق رشد اقتصادی متوسط ۷/۵ درصد و رشد صنعتی حدود ۱۰ درصد، می توان انتظار داشت که کشور ما در سال ۱۴۰۰ به اقتصادی صنعتی تبدیل شود که ویژگی اصلی آن رقابت پذیری در بازار جهانی است.

مقدمه

عنوان زمینه ساز موفقیت توسعه صنعتی چیست و چگونه باید ایجاد شود؟

باید توجه داشت که این مجموعه از اقدامات به خودی خود شکل نمی گیرد بلکه نیازمند نقش موثر دولت، دست اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی، متخصصان، نظامهای آموزشی و... است.

تبیین استراتژی توسعه صنعتی

تبیین استراتژی توسعه صنعتی در واقع پاسخگویی به چند پرسش اساسی است؛ بدین صورت که چشم انداز مطلوب توسعه صنعتی ایران چگونه تحقق می یابد؟ مسیر حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب چگونه باید باشد؟ کدام مجموعه از سیاستها و نهادهای سازها در اقتصاد داخلی «چه در سطح ملی و چه در سطح بخش صنعت» در هماهنگی با تحولات آینده اقتصاد جهانی هدفهای توسعه صنعتی را امکانپذیر می سازد؟ الزامات محیطی و شرایط عمومی کشور در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به

صنعت را صنعتگر می سازد

ایجاد صنعت و صنعتی کردن باید به دست صنعتگر کارآفرین صورت پذیرد. همان گونه که در تکثیر درخت از قلمه زدن و در



مختلف کشور حضور و فعالیت داشته‌اند. در دوره انوشیروان و خسرو پرویز تشکلهای بازرگانی برای تهیه و توزیع ملزومات وجود داشته است. در زمان خلافت عباسیان تشکلهایی فعالیت داشته و حتی در برخی نقاط حکومت محلی تشکیل می‌دادند و بعضاً منطقه وسیعی را اداره می‌کردند.

نمونه‌های دیگری از فعالیت تشکلهای در زمان خواجه نظام‌الملک دیده می‌شود. در این دوره رشته‌های مختلف فعالیت، رییس صنف داشته‌اند و در امور بازرگانی هم رییس‌التجار هر منطقه مشخص بوده است. رییس‌التجار و روسای صنفا همراهِ حکمرانان در سفر به بغداد و دیدار خلفا حضور داشتند و همچنین در حفظ منافع رشته‌های مختلف صنفی، تجاری، بهبود کیفیت کالا و کنترل نرخها با حکمرانان هر منطقه همکاری می‌کرده‌اند. اوج فعالیت تشکلهای قبل از دوره معاصر در زمان صفویه بوده که تشکیلات مختلف صنفی و بازرگانی به وجود آمد. در این دوران در بیشتر شهرهای بزرگ ایران پیشه‌وران، اصناف، تجار و صنعتگران، تشکیلاتی صنفی شبیه به اصناف قرون وسطای اروپا ایجاد کردند. در دوره‌های افشاریه و زندیه مشکلات مربوط به حکومتهای منطقه‌ای و جنگهای قبیله‌ای و تهاجم نظامی اروپاییان حکومت را گرفتار می‌کرد و اصناف و تجار نیز بیشتر اوقات خود را صرف کمک به حکومتها می‌نمودند و تهیه و توزیع مواد غذایی

پرورش گیاهان از تخم آن استفاده می‌شود، در صنعت نیز باید امکانی فراهم شود که صنعت را صنعتگران تکثیر کنند. روند غالب، از انتقال تدریجی نقش دولتها به تشکلهای اقتصادی-صنعتی حکایت دارد. امروزه قابلیت نهادسازی و تشکل‌گرایی به یک شاخص پیشرفت تبدیل شده است. توسعه تشکلهای در تمام زمینه‌ها، خاصه صنعت و تخصصهایی که صنعت را اداره می‌کند یک ضرورت و الزام است. صنعتگران و کارآفرینان و متخصصان نیز در صورتی می‌توانند از حقوق حرفه‌ای خویش حمایت کنند که خرد و تجربه جمعی خود را در حل مشکلات به کار گیرند و سازمانی منسجم، مسئول، علاقه‌مند و دلسوز داشته باشند، تا تشکلهای در کنار دولت، مجلس، قوه قضائیه، دانشگاه و مصرف‌کنندگان یار و یاور صنعت و زمینه‌ساز و هدایتگر توسعه آن باشند.

سابقه تشکل‌گرایی در کشور

در تاریخ ایران سابقه تشکل‌صنفی یا تجاری به بیش از ۲۴۰۰ سال می‌رسد. پادشاهان هخامنشی برای تنظیم و تدارکات نظامی و تهیه ملزومات مختلف اقدام به ایجاد همکاری بین واحدهای مختلف می‌کردند.

در دوران ساسانی این تشکلهای گسترش یافته بود و در مناطق

و ملزومات نظامی بر عهده آنان بود.

در دوره حکومت قاجاریه که کشور به خاطر فشارهای اقتصادی سیاسی دولتهای بیگانه از وضع اقتصادی و سیاسی مطلوبی برخوردار نبود، طبقات تجار، اصناف، پیشه‌وران و صنعتگران در قالب تشکلهای صنعتی و بازرگانی موقعیت خود را حفظ کرده و به عنوان معتمد، مورد احترام مردم بودند.

در دوره انقلاب مشروطه اصناف به صورت تشکلهای فعال در جامعه حضور داشتند. در این دوره به تدریج تشکلهای کارفرمایی، صنعتی و حتی کارگری در مناطق مختلف کشور ایجاد شد که تعداد آنها به ۷۰ می‌رسید. این تشکلهای در امور بازرگانی، صنعتی و صنفی و پیشه‌وری نقش اساسی را بر عهده داشتند.

در سالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ مراکزی شبیه به اتاق تجارت در برخی شهرهای کشور ایجاد شد و رییس‌التجار وقت در امور صنعتی و بازرگانی مورد مشورت حکام محلی و دولت قرار می‌گرفت. فعالیت این مراکز بعدها تحت عنوان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن شکل قانونی به خود گرفت. در حال حاضر افزون بر این، اتاقهای بازرگانی مشترک که تحت حمایت و پوشش اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تشکیل شده‌اند، در امر تسهیل روابط بازرگانی بین کشورهای ایفای نقش می‌کنند. صرف نظر از سابقه تاریخی تشکلهای در ایران، تشکلهای صنفی در دوران نونین اقتصاد ایران سابقه ای ۵۰ ساله دارند.

تعریف تشکلهای صنفی

در دنیایی که افراد علاقه‌ها و نیازهای متفاوت خود را در بسیاری از موارد همسو و مشترک می‌یابند، ضرورت دخالت بخشهای مختلف از جمله صنعتگران، در پیگیری علایق و منافع مشترکشان آشکار می‌شود.

تشکلهای داوطلب صنفی قابلیت همسو کردن نیازها و علایقی را که به هدفی مشترک ختم می‌شود دارند و به صورت خودجوش و داوطلبانه توسط گروهی از صنعتگران حقیقی و حقوقی تشکیل شده و اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی را به نحو مسالمت‌آمیز پیگیری می‌کنند.

اهمیت تشکلهای در پاسخگویی به نیازهای عمومی و کارکرد متنوع آنان از رفاه تا توسعه است.

تعریفهای گوناگونی برای تشکلهای غیردولتی از جمله در حوزه صنعت ارائه شده است. در رایجترین تعریف ویژگیهای زیر برای

صنعتگران و کارآفرینان و متخصصان نیز
در صورتی می‌توانند از حقوق حرفه‌ای خویش
حمایت کنند که خرد و تجربه جمعی خود را
در حل مشکلات به کار گیرند و
سازمانی منسجم
مسئول
علاقه‌مند و دلسوز داشته باشند
تا تشکلهای در کنار دولت
مجلس
قوه قضائیه
دانشگاه و مصرف‌کنندگان
یار و یاور صنعت و زمینه‌ساز و
هدایتگر توسعه آن باشند

تشکلهای حرفه‌ای و صنفی پذیرفته شده است:

- ۱- غیرسیاسی باشند،
- ۲- غیرانتفاعی باشند،
- ۳- غیردولتی باشند،
- ۴- داوطلبانه باشند،

۵- در مقابل اهداف مندرج در اساسنامه پاسخگو باشند.

آنها می‌توانند واسطه بین بخش خصوصی غیردولتی و دولت باشند و دولت را در اجرای برنامه‌های توسعه‌یاری دهند. توسعه پایدار با همراهی و دخالت تمامی ذینفعان در حوزه خصوصی (بازار)، حوزه عمومی (دولت) و جامعه حاصل می‌شود.

اصل مشارکت‌پذیری

به تعبیر بسیاری از اندیشمندان، مشارکت به قدمت تاریخ بشریت پیشینه دارد، چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون وابستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است. درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شده و موارد اساسی درگیر شدن و یاری‌دادن را پذیرا گردند. فرد ابتدا از لحاظ ذهنی و عاطفی درگیر می‌شود و سپس اقدام به فعالیت می‌کند. به عبارت دیگر یاری‌دادن حاصل نوع انگیزشی

است که فرد را در جهت کمک به دیگران قرار می دهد. این نکته واژه مشارکت را از موافقت جدا می سازد. در مشارکت سیاسی، قدرت برای دخالت گروهها در تولید و ارتقای فرهنگ است. مشارکت اجتماعی دخالت داوطلبانه، آگاهانه و مسالمت آمیز اعضای یک جامعه در حصول به توسعه است. تشکلهای صنعتی و تخصصهای مرتبط به آن از جمله بسترهای پیگیری مشارکتهای اجتماعی است.

نقش تشکلهای در سازماندهی امور اقتصادی و اجتماعی

کشور ما اکنون در شرایطی قرار دارد که بیش از هر زمان دیگر به بسیج همگانی و همساز کردن تواناییهای بالقوه، به ویژه در عرصه اقتصادی نیاز دارد. از سوی دیگر علاقه ای که مردم ما در سالهای اخیر در مقاطع مختلف برای مشارکت در سرنوشت خویش نشان داده اند، فضای مساعدی را برای فراخوان آنها به حضور در صحنه اقتصادی ایجاد کرده است. لذا به نظر می رسد که توانمندسازی و ایجاد بستر همکاری، از سوی عالیترین سطوح نظام برای تشکلهای صنعتی فراهم شده است. بررسی اهداف و رسالتهای کلیه تشکلهای صنعتی نشان می دهد که خواسته های آنها بسیار شبیه و مشترک است. سازمان دولتی یا مقامی که مراجعه یک یا چند نفر از یک تشکل را ممکن است نادیده بگیرد مسلماً نمی تواند سخن نمایندگان چندین تشکل را ناشنیده بگذارد. ضمن آنکه نظرات همه آنها خیر خواهانه و در جهت پیشرفت کشور است.

چالشها و چشم اندازهای بخش صنعت در ایران

صنعت کارخانه ای در کشور ما، پدیده ای است با سابقه ای بیش از یکصدسال که همواره افت و خیزهای بسیاری را تجربه کرده و تلاشهای وسیعی را برای صنعتی شدن و صادراتی شدن، شاهد بوده است.

صنعت اساساً فرایندی متحول، پیشرونده، علم گرا و جهانشمول است بدین معنی که دامنه و حیطه عمل آن از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و جهان را مخاطب خود قرار داده است. نگاه صنعت به بیرون، از مشتری و بازار مصرف گرفته تا داده های علمی و تکنولوژیک، دو ویژگی ممتاز بدان بخشیده

است که یکی تحول از تولید بازارگرا و رقابت پذیری در سطح جهان و دیگری، اثرپذیری از علم و فن و تکنولوژی است که هر یک شاخصهایی برای ارزیابی مقبولیت و ارجحیت بنگاههای صنعتی تلقی می شود.

بخش صنعت به امنیت و اعتماد نیازمند است. اگر احساس امنیت تضعیف شود انگیزه رشد و توسعه و سرمایه گذاری نیز به موازات آن کمرنگ می گردد. در واقع امنیت با ابعاد سه گانه اقتصادی، اجتماعی و قضایی کلید گسترش صنعت است.

این پدیده زاینده تفکر، خلاقیت و علم است که در آن خرد و عقلانیت محیطی را پدید می آورد که در آن جوشش و تلاش برای نوآوری و ساخت ابزار و وسایل و کالاهای تازه و تولیدات جدید به تکاپو می افتد.

در جوامعی که صنعت و آثار آن ناشناخته باشد، ناسازگاری و ایجاد مانع جایگزین همکاری و همسازی می گردد و نیروی انسانی تبدیل به عاملی می شود که بی اعتنایی و تخریب را تشدید می کند. پرداختن به صنعت مستلزم روشن شدن چشم اندازهای تحولات صنعتی در آینده است. مدیران صنعت و آنان که می خواهند به جامعه صنعتی بپیوندند باید بدانند که چه مسیری و چه انتخابی در مقابل آنها قرار دارد، به چه نیرویی (اعم از انسانی و فنی) نیازمندند و چگونه می توانند به آنها دسترس داشته باشند. به همین لحاظ دانشگاهها و مراکز آموزشی نیز باید از این تحولات و نیازهای آن آگاه شوند تا قواره و ساخت خود را با آن هماهنگ سازند.

فرایند صنعتی شدن علاوه بر ابعاد فیزیکی و فنی آن، فرایندی اجتماعی و اقتصادی و حتی انسانی است. از نظر اقتصادی، به ویژه در سطح کلان و در درازمدت صنعت می تواند شکوفایی و رشد را محقق و امکانپذیر سازد و فاصله کشور را با جهان پیشرفته کوتاهتر کند.

در تحلیل صنعت و کارکرد آن باید موانعی را که بر سر راه آن قرار دارد و همچنین فرصتها، امکانات و محدودیتها شناسایی شوند. موانع در اقتصاد هر کشور، از جمله در ایران، ممکن است متنوع و دارای ابعاد متفاوت اقتصادی، فرهنگی اجتماعی، ساختاری، قانونی و حتی اخلاقی باشد. صنعت همواره با پرسشهایی روبه روست که باید پاسخهای خود را دریافت کند تا به اقتناع برسد. این پرسشها جنبه های درونی و بیرونی (یعنی به جامعه و دولت از یک سو و به درون خود از سویی دیگر) دارند. در مرحله نخست



حسابداری بهتر استفاده کند.

حسابداری مدیریت

اقتصاد کشور در کل و بخش صنعت به طور خاص نسبت به موضوع هزینه و کارایی تاکنون به اندازه کافی حساس نبوده و به همین دلیل به تکنیک هزینه‌یابی توجه کافی نشده است. حرفه حسابداری نیز نسبت به اهمیت این موضوع غافل بوده است. تهیه اطلاعات حسابداری در مورد نوآوریها و کوششهای مدیریتی برای استفاده از فناوریهای جدید و اندازه‌گیری آثار و نتایج این فعالیتها برای مدیران صنعت بسیار اهمیت دارد.

پیشرفتهای فنون هزینه‌یابی در جهان به مدیران کمک کرده است از نتایج اقتصادی فعالیتهای مربوط به کاهش ضایعات، بهبود کیفیت، کاهش آلودگی محیط زیست، تغییر تکنولوژی تولید، استفاده از فناوری پیشرفته، و توسعه نیروی انسانی آگاه شوند و تصمیمات بهتری درباره تغییرات محیط تولید بگیرند.

کوشش حرفه حسابداری در ایران برای توسعه حسابداری مدیریت و بازآموزی حسابداران موجب می‌شود نیاز صنعت به این بخش از حسابداری برآورده شود.

بودجه بندی

امروزه اداره صنعت بدون آینده‌نگری، برنامه ریزی و بودجه بندی میسر نیست. ارزیابی عملکرد گذشته به عنوان بازخوردی برای بهبود عملکرد آینده به تنهایی کافی نیست و برآورد و تخمین شرایط متغیر آینده نیز عامل مهمی در موفقیت

هر بنگاه صنعتی باید نخستین پرسش خود را معطوف به ابهامات و اشکالاتی کند که در بطن آن نهفته است. هر صنعت باید از خود پرسد که آیا تکنولوژی مقتضی و مناسب را فراهم آورده است، آیا نیروی انسانی به مهارتهای کار با تکنولوژیهای پیشرفته آشنا شده‌اند و آیا مدیریت آن شایستگی و آگاهیهای مطلوب را برای رهبری یک سازمان دائم‌آدر حال تغییر و چالش، داراست؛ و بالاخره آیا صنعت باید به بازارهای جهانی وارد شود و به عبارتی صنعت داخلی به صنعتی روزآمد و رقابت پذیر تبدیل و جهانی شود یا به همین وضعیت بسنده شود؟

غیر رقابتی بودن صنایع کشور تنها به لحاظ قدیمی بودن ماشین آلات و خطوط تولیدی نیست، بلکه ناشی از یک وضعیت عقب ماندگی در ابعاد مختلف سرمایه‌ای، تجهیزاتی، فناوری، پژوهشی، مهارتی، مدیریتی، منابع انسانی و بازاریابی است و این عوامل، پیامدهای سازگار نبودن عوامل محیطی حاکم بر فعالیتهای تولیدی و صنعتی است. لذا در صنعت باید فرهنگ توانمندسازی به عنوان فرایندی دائمی شناخته شود و ماهیت امری آموزشی در زمینه نگرشها، طرز تلقیها، تغییر در کارکردها و کارایی و عملکردها و عقاید و باورهای نیروی انسانی مدنظر قرار گیرد.

انتظارات صنعت از حرفه حسابداری

اکنون با توجه به آنچه گذشت، به اعتبار مسئولیتهای اجتماعی و ایفای رسالتهای صنعتی، توقعات و نظرات مجموعه صناعی که در قالب شکل‌گیری همکاری کهن و تنگاتنگ دارند به شرح زیر عنوان می‌گردد.

آشناسازی مدیران صنعت با نقش حرفه حسابداری

کتابچه استانداردهای حسابداری را که به وسیله سازمان حسابرسی تدوین و منتشر شده است مطالعه می‌کردم، «مقدمه‌ای بر استانداردهای حسابداری» و همچنین استاندارد حسابداری شماره ۱ «نحوه ارائه صورتهای مالی» دربرگیرنده مطالب بسیار مهمی است؛ از جمله «منبای تهیه استانداردهای حسابداری»، «هدف صورتهای مالی»، «مسئولیت صورتهای مالی»، «اجزای صورتهای مالی»، «رویه‌های حسابداری» و بسیاری مطالب مهم دیگر. بسیار سودمند است که این دو مطلب در مقیاس گسترده توزیع شود و در اختیار مدیران صنعت قرار گیرد و از طرق ممکن برای آنها تشریح و معرفی شود. ایجاد برداشت و درک مشترک از مفاهیم حسابداری کمک می‌کند که صنعت از خدمات حرفه

انتظارات صنعت از حسابداران

اما حسابداران در کشور ما به ویژه در نتیجه تحولات ناشی از انقلاب، نشان دادند که یار و یاور مدیران صنایع اند و می توانند نقش و حضور مهمی در عرصه مدیریت شرکتها داشته باشند. با وجود این، زمینه های متعددی وجود دارد که اگر مورد توجه حسابداران قرار گیرد نقش آنان را در اداره صنعت و پیشرفت آن بسیار بیشتر می کند.

شناخت صنعت

حسابداران برای اینکه بتوانند نقش موثرتری در اداره صنعت داشته باشند لازم است شناخت دقیق و عمیقی از صنعت در کل، و رشته صنعتی که در آن کار می کنند داشته باشند. شناخت صنعت به جز از طریق مطالعه علمی، مستلزم حضور مستقیم در محیط کار صنعتی و نشست و برخاست با سایر متخصصانی است که دیگر وظایف فنی را به دوش دارند. همکاری جمعی در محیط صنعت، شناختن تنگناها، همکنشی با سازمانهای دولتی و وابسته به دولت،

شرکتهاست. تعیین هدفها، کمی کردن هدفها و اندازه گیری میزان هدفهای تحقق یافته از تکنیکهای رایج در شرکتها خارج است. اما در ایران کمتر شرکتی حتی از سیستم بودجه بندی سنتی به طور درست و کامل استفاده می کند تا چه رسد به فنون جدید بودجه بندی. تکنیکهای جدید بودجه بندی هنوز در دانشگاههای ما تدریس نمی شود و حرفه حسابداری نیز در ترویج این رشته کارآمدی کافی نداشته است. توجه بیشتر حرفه حسابداری به این رشته ضروری است تا صنایع و شرکتهای تولیدی از این مزیت مهم برخوردار شوند.

حسابرسی داخلی

حسابرسی داخلی هم از موضوعاتی است که درباره آن زیاد صحبت شده ولی در عمل صنایع ما از این اهرم مهم که موجب استقرار کنترلهای داخلی و سلامت واحدهای اقتصادی است کم بهره اند. حسابرسی مستقل سالانه، تقریباً جا افتاده است و سهامداران به کمک آن نسبت به درستی صورتهای مالی و کارهای انجام شده به وسیله هیئت مدیره اطمینان به دست می آورند، اما مدیریت هنوز اهرم مناسبی برای اطمینان از به کارگیری درست منابع در سازمان و رعایت مقررات و دستورعملها به وسیله سازمان در دست ندارد. حرفه حسابداری می تواند نشان دهد سازمانهای که از حسابرسی داخلی استفاده می کنند موفقترند و به اشاعه این رشته همت می گمارد.

صورتهای مالی تلفیقی

تهیه صورتهای مالی به وسیله شرکتها به صورت سنت درآمده و علاوه بر آن حسابرسی صورتهای مالی هم رایج شده و در موارد زیادی حتی الزام قانونی هم پیدا کرده است و مدیران از بابت حساب نگاه داشتن و حساب پس دادن با مشکل مهمی روبه رو نیستند و این از موفقیتهای مهم حرفه حسابداری در ایران است. اما توسعه سرمایه و بزرگ شدن شرکتها موجب پیدایش خانواده شرکتها شده است و اکنون بنگاههایی وجود دارند که در قالب چندین و چند شرکت حقوقی، به شکل یک مجموعه و با عنوان گروه به فعالیت مشغولند. اطلاع گروه از وضعیت و نتایج عملیات مجموعه شرکتها به سادگی جمع کردن صورتهای مالی شرکتها نیست و تهیه صورتهای مالی گروه کار نسبتاً پیچیده ای است که هنوز در کشور ما رایج نشده است. حرفه حسابداری در این زمینه کار زیادی در پیش دارد.

کشور ما اکنون در شرایطی قرار دارد که

بیش از هر زمان دیگر به بسیج همگانی و

همساز کردن تواناییهای بالقوه

به ویژه در عرصه اقتصادی نیاز دارد

از سوی دیگر علاقه ای که مردم ما در

سالهای اخیر در مقاطع مختلف برای

مشارکت در سرنوشت خویش نشان داده اند

فضای مساعدی را برای فراخوان آنها

به حضور در صحنه اقتصادی ایجاد کرده است

لذا به نظر می رسد که توانمندسازی و

ایجاد بستر همکاری

از سوی عالیترین سطوح نظام برای

تشکلهای صنعتی فراهم شده است

همه اینها باعث می شود حسابدار در خانواده واحد صنعتی پذیرفته شود و نقش خود را با دلسوزی و اثربخشی بیشتری ایفا کند.

تمایز بین حسابداری و امور مالی

به طور معمول در یک واحد تولیدی دو وظیفه مهم از مجموعه وظایف واحد، قابل تخصیص به متخصصان حسابداری است: یکی نگهداری حساب و کتاب و دیگری انجام عملیات پولی و

تامین مالی و استفاده اقتصادی از منابع.
در خارج، حسابدارانی که وظیفه دوم را انجام می دهند با نام
خزانه دار یا کنترلر شناخته می شوند.
در ایران این وظیفه بنابه دلایل مختلف، قبل از آنکه به عهده
حسابداران باشد به عهده مدیران صنعت قرار گرفته، در نتیجه
حسابدارانی که در این رشته تخصص و مهارت داشته باشند بسیار
اندکند.

نکته مهم این است که در ایران این دو وظیفه از جنبه تخصصی به
خوبی از هم تفکیک نشده و حسابداران ما در هیچیک از این دو
مهارت، به صورت تخصصی متمرکز نشده اند. نتیجه این بوده که
کارکرد اطلاعاتی حسابداری تا حدودی تحت الشعاع کارکرد
خدماتی قرار گرفته و از اطلاعات حسابداری به خوبی بهره برداری
نمی شود و حسابداران توفیق کافی در فروش و عرضه کالای
گرانقیمت اطلاعات حسابداری به دست نیاورده اند. هنوز مدیران
بخش صنعت از این مزیت مهم بی بهره اند و اغلب تصمیمهای خود
را بدون دسترسی به اطلاعات حسابداری انجام می دهند.

گزارشهای مالی خاص

مدیران بخش صنعت برای تصمیمگیری نیاز به اطلاعاتی بسیار
بیشتر از آنچه در صورتهای مالی که با رعایت استانداردهای
حسابداری تهیه شده، دارند. گرچه در جای دیگری اشاره شد که
واحدهای اقتصادی با کمک حسابداران، مشکل مهمی در تهیه
صورتهای مالی ندارند اما تهیه صورتهای مالی تمام کار نیست.
مدیران صنعت برای تصمیمگیری در حوزه های مختلف
نیازمند اطلاعات گذشته نگر و آینده نگرند. مدیران صنعت ممکن
است بخواهند بدانند که تحت این یا آن شرایط سود شرکت چه
تغییری پیدا می کند.

حسابداران در نگهداری حساب و کتاب البته حق دارند نسبت
به رعایت مقررات و الزامات تعصب داشته باشند اما در تهیه
اطلاعات گوناگون برای مدیریت چنین تعصباتی روانیست و از
آنها انتظار می رود با فرضهای گوناگون ولو آنکه این فرضها با
استانداردهای حسابداری مطابقت نداشته باشد گزارش تهیه کنند؛
گرچه قرار نیست این نوع گزارشها جای گزارشهایی را که با
رعایت استانداردهای حسابداری تهیه شده اند بگیرد.

پانوشتها:

- 1- Treasurer
- 2- Controller



ایجاد برداشت و درک مشترک از

مفاهیم حسابداری کمک می کند که

صنعت

از خدمات حرفه حسابداری

بهتر استفاده کند